

آینده رودرویی ایران و اسرائیل در پرتو «شایعه مرگ ترامپ»

مقدمه:

مرگ ترامپ - اگر رخ می‌داد - نه فقط یک رویداد شخصی، که یک زلزله در آیین قدرت بود. چرا که ترامپ بیش از هر رئیس‌جمهور دیگری خود را «بدن سیاسی» آمریکا کرده است؛ حضوری که هر روز در برابر دوربین‌ها، هر جمله‌اش و هر حرکتش در زمین گلف، بخشی از نمایش قدرت و اراده ایالات متحده محسوب می‌شود. در غیاب او، ولو به صورت شایعه، دو پیام در سطح جهانی منتشر شد: نخست، شکنندگی و ناپایداری رهبران نمادین حتی در قلب نظام قدرت؛ دوم، امکان گسست در تداوم راهبردی آمریکا در منطقه.

پخش چنین شایعه‌ای - حتی اگر بی‌اساس باشد - می‌تواند در زمین تقابل ایران و اسرائیل سه تبعه محتمل داشته باشد:

۱. تبعات روانی و محاسباتی: تهران ممکن است چنین خبری را روزنه‌ای در دیوار آهنین آیین قدرت ببیند؛ گویی که غیبت ترامپ یعنی شکاف در فرماندهی آمریکا و کاهش ارادهٔ مشترک واشنگتن - تل‌آویو. این تصور می‌تواند به خطای محاسبه دامن بزند، و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی را به تحرکات تازه در منطقه ترغیب کند.

۲. تبعات میدانی و امنیتی: اسرائیل، برعکس، از این شایعات برای نمایش استقلال راهبردی خود بهره می‌گیرد؛ یعنی حتی اگر آمریکا لحظه‌ای دچار خلأ باشد، تل‌آویو آماده است که ضربه‌های دقیق خود را در یمن، سوریه یا جاهای دیگر ادامه دهد. پس پیام به تهران روشن است: نبود ترامپ، نبود ضربه اسرائیل نخواهد بود.

۳. تبعات نمادین و آیینی: در آیین قدرت، مرگ یا شایعهٔ مرگ رهبرانی چون ترامپ نه تنها خبر، که «آیین عبور» است. هر شایعه‌ای از این دست، پرده‌ای دیگر بر این حقیقت می‌افکند که هیچ چهره‌ای - even در اوج اقتدار رسانه‌ای - مصون از مرگ و زوال نیست. برای جمهوری اسلامی، این یادآوری

می‌تواند دو معنا داشته باشد: یا تأملی بر فناپذیری رهبران و ضرورت تغییر جهت، یا پافشاری بر ادامهٔ مسیر و گرفتار شدن در گره کور تقابل با اسرائیل و آمریکا.

به بیان دیگر، شایعهٔ مرگ ترامپ مثل جرقه‌ای کوتاه بود که سالی تاریک را برای لحظه‌ای سخت روشن کرد: هم ضعف‌های ساختار قدرت در غرب را نشان داد، هم بی‌پناهی جمهوری اسلامی را در بزنگاه رودرویی با اسرائیل عیان‌تر ساخت.

- سناریوهای مرگ ترامپ در دوران ترامپ

برای طراحی آیندهٔ رودرویی ایران و اسرائیل در پرتو «شایعهٔ مرگ ترامپ» می‌توان دو عدم قطعیت کلیدی را محور سناریو قرار داد:

- دو عدم قطعیت معین:

1 - پایداری/ناپایداری رهبری در آیین قدرت آمریکا

✓ از «ثبات ترامپ یا جانشین قدرتمند» تا «خلأ و سردرگمی در رهبری».

2 - سطح مداخلهٔ مستقیم اسرائیل در مواجهه با ایران

✓ از «ادامهٔ جنگ سایه‌ها و ضربات نقطه‌ای» تا «گسترش به سطح رویارویی مستقیم‌تر».

با ضرب این دو عدم قطعیت، چهار سناریو شکل می‌گیرد:

سناریو ۱: «سایهٔ جاویدان»

➤ ثبات رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای اسرائیل

➤ در این وضعیت، حضور ترامپ یا جانشینی قدرتمند، انسجام آیین قدرت آمریکا را حفظ

می‌کند. اسرائیل همچنان با ترورهای دقیق، حملات سایبری و عملیات محدود نیابتی عمل

می‌کند. جمهوری اسلامی در این صحنه گرفتار فرسایش تدریجی می‌شود، بی‌آنکه فرصت

«نفس کشیدن» بیابد.

سناریو ۲: «خنجر بی صدا»

- ثبات رهبری آمریکا + رویارویی مستقیم اسرائیل
- شایعه مرگ ترامپ بی اثر می شود، آمریکا ستون قدرت خود را محکم نگه می دارد. اسرائیل اما فراتر از جنگ سایه می رود و به اقداماتی آشکار و کوبنده (در مقیاس یمن، سوریه، شاید عراق) دست می زند. برای تهران این سناریو یعنی ورود به دورانی که ضربه ها بی پرده و پرهزینه خواهند بود.

سناریو ۳: «خلأ و سراب»

- ناپایداری رهبری آمریکا + جنگ سایه ای اسرائیل
- اگر شایعه مرگ ترامپ یا ضعف در رأس کاخ سفید واقعیت یابد، جمهوری اسلامی آن را به منزله فرصت می بیند. اما چون اسرائیل همچنان بازی سایه را ادامه می دهد، این امید به سراب تبدیل می شود. ایران ممکن است دست به تحرکات بیشتری بزند و در دام عملیات های محدود اما پی در پی اسرائیل گرفتار شود.

سناریو ۴: «آتش بی صاحب».

- ناپایداری رهبری آمریکا + رویارویی مستقیم اسرائیل
- این خطرناک ترین ترکیب است: خلأ در واشنگتن باعث می شود اسرائیل برای پر کردن جای خالی، خود رأساً شدت عمل نشان دهد. ضربه های مستقیم تر و جسورانه تر به متحدان و دارایی های ایران وارد می شود. تهران همزمان با سردرگمی در سیاست آمریکا، خود را زیر بار فشار مستقل اسرائیل می بیند؛ فشار بی صاحبی که نه قابل مذاکره با واشنگتن است و نه قابل مدیریت در صحنه منطقه.

این چهار تصویر، مثل چهار پرده از یک نمایش آینده اند.

«سایه جاویدان» پرده تداوم است، «خنجر بی صدا» پرده ضربه آشکار، «خلأ و سراب» پرده توهم فرصت، و «آتش بی صاحب» پرده هجوم بی مهار.

اکنون بر مبنای همان چهار سناریو، شاخص های هشدار زودهنگام (Early Warning Indicators) را طراحی می کنم؛ نشانه هایی که اگر دیده شوند، می توانند نشان دهند که کدام پرده از نمایش آینده در حال بالا رفتن است.

S سناریو ۱: «سایه جاویدان»

(ثبات رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای اسرائیل).

شاخص‌های هشدار:

- حضور مداوم ترامپ (یا جانشین مقتدر) در رسانه‌ها و صحنه‌های رسمی، بدون خلأ طولانی.
- بیانیه‌های مشترک آمریکا-اروپا در تأکید بر انسجام سیاست فشار.
- تداوم حملات محدود اسرائیل در یمن، سوریه، عراق، بدون ورود به عملیات علنی بزرگ.
- حفظ چارچوب امنیتی موجود در خلیج فارس بدون موج شوک ناگهانی.

سناریو ۲: «خنجر بی صدا»

(ثبات رهبری آمریکا + رویارویی مستقیم اسرائیل)

شاخص‌های هشدار:

- افزایش عملیات اسرائیل از «ترورهای نقطه‌ای» به «حملات علنی گسترده‌تر» (مانند حمله به تأسیسات زیرساختی یا کاروان‌های بزرگ تسلیحاتی).
- پیام‌های واضح آمریکا مبنی بر «حمایت از حق دفاع اسرائیل» در سطحی فراتر از گذشته.
- تقویت حضور نظامی آمریکا در شرق مدیترانه و خلیج فارس برای پشتیبانی لجستیکی از تل‌آویو.
- واکنش‌های آشکار جمهوری اسلامی در قالب تهدید مستقیم به تل‌آویو، نه فقط هشدارهای کلی.

سناریو ۳: «خلأ و سراب»

(ناپایداری رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای اسرائیل)

شاخص‌های هشدار:

- وقفه‌های طولانی یا شایعات مستمر درباره سلامت یا حضور ترامپ (یا جانشین او).
- نبود موضع‌گیری‌های روشن و منسجم از کاخ سفید در برابر تحولات خاورمیانه.
- افزایش لحن امیدبخش و پیروزمندانه رسانه‌های جمهوری اسلامی درباره «ضعف آمریکا».
- در مقابل، تداوم الگوی حملات اسرائیل در همان سطح سایه‌ای و محدود، بدون ورود به عملیات گسترده.

سناریو ۴: «آتش بی‌صاحب»

➤ (ناپایداری رهبری آمریکا + رویارویی مستقیم اسرائیل)

شاخص‌های هشدار:

- بروز خلأ یا ابهام در رهبری آمریکا (بحران سلامتی ترامپ، تغییر ناگهانی رئیس‌جمهور).
- تحرکات اسرائیل برای اجرای عملیات علنی و بزرگ به صورت مستقل، بدون انتظار برای واشنگتن.
- افزایش پررنگ فعالیت لابی‌های اسرائیلی در اروپا برای جلب حمایت فوری.
- موج ناگهانی حملات رسانه‌ای و تهدیدهای شدید از تهران، همراه با آماده‌سازی برای واکنش میدانی مستقیم.

- جمع‌بندی:

چهار پرده با چهار مجموعه نشانه. اگر این شاخص‌ها را مثل فانوس‌های راه بدانیم، می‌توان از تاریکی آینده سرنخ گرفت. «سایه» فانوس ثبات است، «خنجر بی‌صدا» شعله خونین آشکار، «خلأ و سراب» نوری فریبنده در بیابان، و «آتش بی‌صاحب» آتشی مهارنشده بر خرمن منطقه.

این تصویر چهار سناریوی اصلی را در قالب دو عدم قطعیت (ثبات یا ناپایداری رهبری آمریکا، و جنگ سایه‌ای یا رودرویی مستقیم اسرائیل) نشان می‌دهد. هر مربع نماینده یک آینده محتمل است:

- سایه جاویدان <<<< استمرار جنگ پنهان در سایه رهبری باثبات آمریکا.
- خنجر بی‌صدا <<<< نبرد محدود و پنهان با ناپایداری در رهبری آمریکا.
- خلأ و سراب <<<< رودرویی مستقیم اما بدون رهبری روشن آمریکا.
- آتش بی‌صاحب <<<< جنگ آشکار و مستقیم در بستر ناپایداری آمریکا

این چهار سناریو با پیامدهای سه سطحی (ایران، اسرائیل، منطقه) باز شد. هرکدام چون روایتی از آینده‌اند، هم امکان «بازی قدرت» و هم «خطای محاسبه» را در بر دارند:

۱. سایه جاویدان (ثبات رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: فشارهای هوشمندانه‌تر؛ افزایش تحریم‌های هوشمند، عملیات‌های محدود در سوریه و عراق، اما بدون ورود به جنگ گسترده. ایران همچنان در بازی طولانی مدت فرسایشی می‌ماند.
- اسرائیل: ادامه سیاست مهار در سایه، بدون جنگ فراگیر. هزینه امنیتی بالا می‌رود ولی مشروعیت بین‌المللی خود را از دست نمی‌دهد.
- منطقه: تعادل شکننده؛ جنگ نیابتی ادامه می‌یابد، اما نظم رسمی بین‌الملل فرو نمی‌ریزد.

۲. خنجر بی‌صدا (ناپایداری رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: امکان ابتکار عمل بیشتر در محور مقاومت، اما همراه با خطر افزایش تنش‌های غیرقابل کنترل. ایران از خلأ آمریکا برای جابه‌جایی تاکتیکی استفاده می‌کند.
- اسرائیل: ناچار به اتکا بیشتر به خود؛ عملیات‌های پیشگیرانه بدون هماهنگی گسترده با آمریکا، در نتیجه آسیب‌پذیری و اشتباهات محاسباتی افزایش می‌یابد.

▪ منطقه: محورهای مقاومت فعال تر؛ اما رقبای (عربستان، ترکیه) فرصت طلبانه وارد میدان می شوند. خاورمیانه به سمت هرج و مرج نرم حرکت می کند.

۳. خلأ و سراب (ثبات رهبری آمریکا + رودررویی مستقیم اسرائیل)

❖ ایران: در معرض فشار آشکار نظامی و دیپلماتیک قرار می گیرد. آمریکا اجازه می دهد اسرائیل وارد رودررویی مستقیم شود، اما در سطحی کنترل شده. ایران ناچار به پاسخ گویی محدود و مدیریت گرانه می شود.

❖ اسرائیل: جنگ آشکار اما نه تمام عیار. اسرائیل می کوشد تصویر «نبرد برای بقا» را تقویت کند تا مشروعیت جهانی بگیرد.

❖ منطقه: موجی از ناآرامی در عراق، لبنان، و سوریه. خطر گسترش بحران به خلیج فارس بالا می رود.

۴. آتش بی صاحب (ناپایداری رهبری آمریکا + رودررویی مستقیم اسرائیل).

✚ ایران: احتمال ورود به جنگی نیمه تمام عیار. فضای جهانی علیه ایران قطبی تر می شود، اما همزمان فرصت بهره گیری از شکاف آمریکا-اروپا/چین وجود دارد.

✚ اسرائیل: در نبود هدایت کامل آمریکا، وارد جنگی پرهزینه می شود که می تواند امنیت داخلی اش را دچار شکاف کند. احتمال ضربات سنگین وجود دارد.

✚ منطقه: منطقه به سمت آشوب ساختاری می رود؛ زنجیره بحران از لبنان تا یمن فعال می شود. احتمال ورود روسیه و چین برای مدیریت بحران بیشتر می شود.

گزاره ناپیدا و پراثر این سناریوها این است: هر چه ثبات در واشنگتن کمتر شود، جنگ پنهان ایران و اسرائیل پرهیاهوتر و پرخطرتر خواهد شد.

حالا بر اساس همین طراحی چهارگانه، پیامدها را در سه سطح ایران، اسرائیل و منطقه باز می نماید:

✚ سناریوی «سایه جاویدان» (ثبات رهبری آمریکا + جنگ سایه ای).

○ ایران: ادامه سیاست مهار و بازدارندگی هوشمند، افزایش هزینه های امنیتی اما بدون ورود به جنگ مستقیم. فرصت برای گسترش روابط منطقه ای و بین المللی.

○ اسرائیل: تقویت اتکا به سایهٔ حمایتی آمریکا، اما گرفتار فرسایش در جنگ‌های نیابتی و نگرانی از طولانی شدن درگیری.

○ منطقه: ثبات شکننده؛ بازیگران غیردولتی فعال‌تر می‌شوند، ولی جنگ سراسری به تعویق می‌افتد.

+ سناریوی «خنجر بی صدا» (ناپایداری آمریکا + جنگ سایه‌ای)

○ ایران: امکان مانور بیشتر در خلأ سیاست آمریکا؛ افزایش تحرکات منطقه‌ای و فرصت برای نفوذ نرم.

○ اسرائیل: احساس ناامنی و انزوا؛ مجبور به تحرکات یک‌جانبه و عملیات پیش‌دستانه.

○ منطقه: افزایش فعالیت بازیگران کوچک‌تر (حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها)؛ شکل‌گیری جنگ‌های پراکنده و پیش‌بینی‌ناپذیر.

+ سناریوی «خلأ و سراب» (ثبات آمریکا + رودررویی مستقیم)

- ایران: فشار نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک مضاعف؛ خطر ورود به جنگ مستقیم اما در چارچوب مدیریت‌شده.

- اسرائیل: احساس حمایت کامل؛ تشدید عملیات آشکار علیه ایران و هم‌پیمانانش.

- منطقه: ناامنی فراگیر، اقتصاد منطقه‌ای به شدت ضربه‌پذیر؛ کشورهای خلیج در وضعیت دوگانه ترس و معامله.

+ سناریوی «آتش بی صاحب» (ناپایداری آمریکا + رودررویی مستقیم)

- ایران: ورود به رویارویی گسترده اما با فرصت بهره‌برداری از آشوب در رهبری آمریکا. هزینه‌ها سنگین، ولی امکان بازتعریف جایگاه منطقه‌ای.

- اسرائیل: گرفتار در میدان جنگ مستقیم بدون پشتوانه قاطع آمریکا؛ احتمال ضربه‌های سنگین.

- منطقه: آشوب ژئوپلیتیکی؛ ائتلاف‌ها فرو می‌ریزند، قیمت انرژی جهش می‌کند، بحران‌های انسانی افزایش می‌یابد.

اکنون پیامدهای هر سناریو را در سه سطح ایران، اسرائیل و منطقه تکمیل می‌شود:

+ سناریو اول: «سایه جاویدان» (ثبات رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: ادامه سیاست «صبر فعال» و جنگ نیابتی؛ هزینه‌های امنیتی کنترل شده اما طولانی.

- اسرائیل: تداوم ضربات محدود به زیرساخت‌های ایران و متحدانش؛ بازدارندگی نسبی اما فرسایشی.

- منطقه: وضعیت خاکستری؛ رقابت ایران-اسرائیل در جبهه‌های نیابتی (لبنان، سوریه، یمن) بدون جنگ مستقیم.

+ سناریو دوم: «خنجر بی صدا» (ناپایداری رهبری آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: افزایش فرصت برای مانور منطقه‌ای و تقویت گروه‌های مقاومت؛ امکان چانه‌زنی با بازیگران ثالث.

- اسرائیل: احساس ناامنی شدیدتر؛ افزایش حملات پیش‌دستانه اما با پشتیبانی کمتر از آمریکا.

- منطقه: گسترش بی‌ثباتی در محورهای نیابتی؛ ورود بازیگرانی چون روسیه و چین برای پرکردن خلأ آمریکا.

+ سناریو سوم: «خلأ و سراب» (ناپایداری رهبری آمریکا + رودررویی مستقیم)

- ایران: احتمال درگیری مستقیم و پرهزینه؛ نیاز به افزایش توان بازدارندگی هسته‌ای و موشکی.

- اسرائیل: ضربه‌پذیری شدید در غیاب حمایت قاطع آمریکا؛ فشار برای جلب کمک اروپا و ناتو.

- منطقه: ورود به وضعیت «جنگ تمام‌عیار» منطقه‌ای؛ خطر تغییر مرزها و شکل‌گیری بلوک‌های امنیتی جدید.

+ سناریو چهارم: «آتش بی صاحب» (ثبات رهبری آمریکا + رودررویی مستقیم)

- ایران: رودررویی آشکار با آمریکا و اسرائیل؛ احتمال هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های حیاتی؛ ولی تقویت گفتمان مقاومت.

- اسرائیل: اتکا به حمایت کامل آمریکا برای ورود به جنگ گسترده؛ اما با خطر کشیده شدن جنگ به داخل مرزهایش.

- منطقه: شعله‌ور شدن یک جنگ بزرگ خاورمیانه‌ای؛ دخالت قدرت‌های جهانی؛ احتمال بازتعریف نظم امنیتی منطقه‌ای.

در اینجا برای هر یک از چهار سناریوی طراحی شده، پیامدهای محتمل در سه سطح ایران، اسرائیل و منطقه را ترسیم می‌شود.

۱. سایه جاویدان (رهبری باثبات آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: حفظ الگوی تقابل غیرمستقیم؛ تمرکز بر جنگ‌های نیابتی و ابزارهای بازدارندگی غیررسمی. فشار تحریمی و مهار همچنان پایدار می‌ماند.
- اسرائیل: ادامه اتکا به حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی آمریکا بدون ورود به رودررویی تمام‌عیار.
- احتمال حملات نقطه‌ای علیه اهداف ایرانی یا محور مقاومت.

- منطقه: ثبات شکننده، با استمرار درگیری‌های کم‌شدت در لبنان، سوریه و عراق. کشورهای عربی بین موازنه‌گری و نزدیکی به آمریکا سرگردان می‌مانند.

۲. خنجر بی صدا (رهبری ناپایدار آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: افزایش اعتماد به نفس برای گسترش میدان عمل، بهره‌گیری از خلأ آمریکا برای تقویت حضور در منطقه.

- اسرائیل: نگرانی از کاهش حمایت مستقیم آمریکا؛ روی‌آوری به خوداتکایی امنیتی و ائتلاف‌سازی بیشتر با کشورهای عربی (عادی‌سازی شتاب گرفته).

- منطقه: تشدید رقابت‌های پنهان و جنگ‌های سایبری. کشورهای عربی دو دسته می‌شوند: بخشی در پی حمایت بیشتر از اسرائیل، بخشی در پی تنش‌زدایی با ایران.

۳. خلأ و سراب (رهبری باثبات آمریکا + رودررویی مستقیم اسرائیل)

- ایران: ورود به مواجهه آشکار و پرهزینه، احتمال حملات مستقیم علیه خاک ایران افزایش می‌یابد.
- در عین حال، انسجام داخلی در برابر تهدید بیرونی ممکن است تقویت شود.

- اسرائیل: خطر فرورفتن در جنگی فرسایشی که می‌تواند توان دفاعی و اقتصادی آن را مستهلک کند، حتی با حمایت آمریکا.

- منطقه: انفجار بحران در جغرافیای شامات و خلیج فارس. شکاف امنیتی کشورهای منطقه عمیق‌تر می‌شود. احتمال فروپاشی ترتیبات نیم‌بند عربی.

✚ ۴. آتش بی‌صاحب (رهبری ناپایدار آمریکا + رودرروی مستقیم اسرائیل)

- ایران: فرصت و تهدید توأمان؛ فرصت به دلیل ناتوانی آمریکا در مدیریت بحران، تهدید به دلیل احتمال ورود اسرائیل به جنگی نامتقارن و پرخطر علیه ایران.

- اسرائیل: در معرض فشار مضاعف؛ بدون حمایت قاطع آمریکا، جنگ مستقیم می‌تواند موجودیت و ثبات داخلی اسرائیل را در معرض فرسایش قرار دهد.

- منطقه: فروپاشی بازدارندگی جمعی؛ منطقه وارد مرحله «بی‌صاحبی امنیت» می‌شود. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، ترکیه، عربستان) به اوج می‌رسد و امکان مداخله مستقیم روسیه و چین بیشتر می‌شود.

من برای هر یک از چهار سناریوی طراحی شده، پیامدهای محتمل در سه سطح ایران، اسرائیل و منطقه را ترسیم می‌کنم.

✚ ۱. سایه جاویدان (رهبری باثبات آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: حفظ الگوی تقابل غیرمستقیم؛ تمرکز بر جنگ‌های نیابتی و ابزارهای بازدارندگی غیررسمی. فشار تحریمی و مهار همچنان پایدار می‌ماند.

- اسرائیل: ادامه اتکا به حمایت اطلاعاتی و تسلیحاتی آمریکا بدون ورود به رودرروی تمام‌عیار. احتمال حملات نقطه‌ای علیه اهداف ایرانی یا محور مقاومت.

- منطقه: ثبات شکننده، با استمرار درگیری‌های کم‌شدت در لبنان، سوریه و عراق. کشورهای عربی بین موازنه‌گری و نزدیکی به آمریکا سرگردان می‌مانند.

✚ ۲. خنجر بی‌صدا (رهبری ناپایدار آمریکا + جنگ سایه‌ای)

- ایران: افزایش اعتماد به نفس برای گسترش میدان عمل، بهره‌گیری از خلأ آمریکا برای تقویت حضور در منطقه.

- اسرائیل: نگرانی از کاهش حمایت مستقیم آمریکا؛ روی آوری به خوداتکایی امنیتی و ائتلاف سازی بیشتر با کشورهای عربی (عادی سازی شتاب گرفته).

- منطقه: تشدید رقابت های پنهان و جنگ های سایبری. کشورهای عربی دو دسته می شوند: بخشی در پی حمایت بیشتر از اسرائیل، بخشی در پی تنش زدایی با ایران.

۳. ✚. خلا و سراب (رهبری باثبات آمریکا + رودررویی مستقیم اسرائیل)

- ایران: ورود به مواجهه آشکار و پرهزینه، احتمال حملات مستقیم علیه خاک ایران افزایش می یابد. در عین حال، انسجام داخلی در برابر تهدید بیرونی ممکن است تقویت شود.

- اسرائیل: خطر فرورفتن در جنگی فرسایشی که می تواند توان دفاعی و اقتصادی آن را مستهلک کند، حتی با حمایت آمریکا.

- منطقه: انفجار بحران در جغرافیای شامات و خلیج فارس. شکاف امنیتی کشورهای منطقه عمیق تر می شود. احتمال فروپاشی ترتیبات نیم بند عربی.

۴. ✚. آتش بی صاحب (رهبری ناپایدار آمریکا + رودررویی مستقیم اسرائیل)

- ایران: فرصت و تهدید توأمان؛ فرصت به دلیل ناتوانی آمریکا در مدیریت بحران، تهدید به دلیل احتمال ورود اسرائیل به جنگی نامتقارن و پرخطر علیه ایران.

- اسرائیل: در معرض فشار مضاعف؛ بدون حمایت قاطع آمریکا، جنگ مستقیم می تواند موجودیت و ثبات داخلی اسرائیل را در معرض فرسایش قرار دهد.

- منطقه: فروپاشی بازدارندگی جمعی؛ منطقه وارد مرحله «بی صاحبی امنیت» می شود. رقابت قدرت های منطقه ای (ایران، ترکیه، عربستان) به اوج می رسد و امکان مداخله مستقیم روسیه و چین بیشتر می شود.

اکنون در می یابیم مرگ احتمالی ترامپ، نغمه ای ناساز و پر پیامد است که ممکن است ظاهری خوشایند برای گفتمان رقیب به دنبال داشته باشد، اما، در عمل صدایی ناساز و نامیمون را انعکاس می بخشد.